

شناسایی استانداردها و مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس استادان دروس معارف اسلامی*

مرتضی مرادی دولیسکانی، محمود سعیدی رضوانی^۲
مرتضی کرمی، مقصود امین خندقی

چکیده

هدف: هدف پژوهش، ارائه چارچوبی مفهومی از اخلاق حرفه‌ای تدریس برای استادان دروس معارف اسلامی برای اثربخش‌تر سازی عملکرد آنان نسبت به تربیت دینی صحیح دانشجویان بود. **روش:** روش پژوهش از نوع روش آمیخته اکتشافی متوالی بود. در بخش کیفی از روش تحلیلی-استنتاجی و در بخش کمی از پیمایش پرسشنامه‌ای و انجام آزمون-های آماری استفاده شد. جامعه آماری اول، کلیه منابع مرتبط با اخلاق حرفه‌ای تدریس و جامعه دوم، استادان معارف اسلامی و دانشجویان کارشناسی ارشد دانشکده علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد در سال ۹۳-۱۳۹۲ بود. در جامعه دوم، ۵۲ نفر با روش نمونه‌گیری هدفمند به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شدند. مراحل گردآوری داده‌ها عبارت بود از: بررسی و شناسایی منابع مرتبط با موضوع، شناسایی و استخراج استانداردهای اخلاق حرفه‌ای تدریس برای استادان معارف اسلامی، تلفیق و ادغام موارد مشابه در قالب مؤلفه کلی و اعتباریابی، مقایسه دیدگاه استادان و دانشجویان درباره خرده مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس برای استادان معارف اسلامی. **یافته‌ها:** ارائه چارچوب مفهومی اخلاق حرفه‌ای تدریس شش خوشه‌ای کلی که عبارتند از: اخلاق بین فردی (ارتباطات) و شایستگی‌های علمی-تخصصی، شخصیتی-رفتاری، اعتقادی-ارزشی، ادراکی و روانی-اجتماعی و ارائه چارچوب مفهومی اخلاق حرفه‌ای تدریس استادان معارف اسلامی. **نتیجه‌گیری:** تدریس دروس دینی مستلزم رعایت اصول و ملاحظات اخلاقی استادان این دروس از دیدگاه استادان و دانشجویان است تا بتوان با در نظر گرفتن آنها در مسیر تحقق تربیت دینی دانشجویان گام برداشت. لذا توجه به چارچوب مفهومی اخلاق حرفه‌ای تدریس برای استادان معارف اسلامی پیشنهاد می‌شود.

واژگان کلیدی: اخلاق حرفه‌ای، تدریس، استادان، دروس معارف اسلامی.

دریافت مقاله: ۹۴/۱۰/۱۹؛ تصویب نهایی: ۹۵/۰۷/۱۹.

* این مقاله مستخرج از پایان‌نامه کارشناسی ارشد برنامه‌ریزی درسی در دانشگاه فردوسی مشهد است.

۱. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه فردوسی مشهد.

۲. دکترای برنامه‌ریزی درسی، دانشیار دانشگاه فردوسی مشهد و مدیر پژوهشکده تعلیم و تربیت اسلامی (نویسنده مسئول) / نشانی: مشهد، میدان آزادی،

دانشگاه فردوسی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، بخش علوم تربیتی / شماره: ۰۵۱۸۸۲۸۶۰۹ / Email: saeedy@um.ac.ir

۳. دکترای برنامه‌ریزی درسی، دانشیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد.

۴. دکترای برنامه‌ریزی درسی، دانشیار دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد.

الف) مقدمه

انسان همواره نیازمند دستیابی به تکیه‌گاه و کانونی است که ضمن پاسخگویی به نیازهای درونی، به او آرامش بخشد. دین و باور به خدا، یک نیازِ متافیزیکی و روان‌شناختی است که قدرت عظیم و بی‌پایانی به انسان می‌بخشد که در بحرانهای فکری، تنشها و فراز و نشیبهای حیات، یاریگر وی بوده و قادر است او را به ساحلِ نجات رهنمون کند. لذا تربیت دینی از ضروریات جامعه انسانی است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۳). در این میان، عواملی همچون: اجتماع، محیط خانوادگی، مربیان و پرورشکاران، برنامه‌داری درسی تربیت دینی، آموزش عالی و مدرسه، از عوامل مهم و تأثیرگذار بر تربیت دینی نوجوانان و جوانان اند (رهنما، طباطبایی و علین، ۱۳۸۵). حساسیت دوران نوجوانی و به دنبال آن جوانی، به عنوان سنین حساس آسیب‌پذیری در تربیت دینی، همراه با در نظر داشتن این نکته که نوجوانان در این دوره، مستعد حالات مثبت و منفی اند و به لحاظ فرا رسیدن هنگامه بلوغ، در معرض اضطرابها و نابسامانی‌های فیزیولوژیک و روانی قرار دارند، ضرورت توجه به زمینه‌های آسیب‌پذیری تربیت دینی در این دوره سنی را مضاعف می‌کند (همان). این در حالی است که نتایج تحقیقاتی از جمله: رحماندوست (۱۳۷۱)، سعیدی رضوانی و همکاران (۱۳۸۰)، تجاسب (۱۳۷۹)، محمدی (۱۳۷۳) و مهرام (۱۳۸۸) در داخل و خارج نشان می‌دهد که تربیت دینی جوانان در مواجهه با مسائل نوظهور امروز با آسیبها و آفت‌هایی همراه بوده است.

در راستای فائق آمدن به عوامل آسیب‌زای تربیت دینی در نظام آموزش عالی ایران، از ابتدای انقلاب اسلامی، نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر تربیت دینی جوانان و نوجوانان، همواره سعی بر آن داشته که آموزش و پرورش ماهیت دینی داشته باشد. اما با وجود این تلاشها، تجربه سالهای بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، به ویژه با نگاه به واقعیت‌های موجود آموزش و تربیت دینی در مدارس، نشان می‌دهد که آموزش و پرورش رسمی در تحقق هدفهای تربیت دینی، موفقیت چندانی به دست نیاورده است (رهنما و همکاران، ۱۳۸۵). به طور کلی عوامل آسیب‌زا و موانع تربیت دینی را می‌توان به عوامل درونی (مربوط به خود نوجوانان و جوانان) و عوامل بیرونی (مربوط به محیط نوجوانان و جوانان) تقسیم و عوامل بیرونی را به عوامل و موانع خارج از نظام آموزشی و عوامل مربوط به نظام آموزش و پرورش و آموزش عالی دسته‌بندی کرد. (بناری، ۱۳۸۰)

در نظام آموزش عالی ایران، با توجه به دگرگونی‌های ایجاد شده در نظام دانشگاه کشور، طی سالهای اخیر، بخش قابل ملاحظه‌ای از آموزشهای عمومی ارائه شده به دانشجویان کلیه رشته‌های دانشگاهی به آموزشهای دینی، مذهبی و معارف اسلامی اختصاص یافته است (فروغی ابری، سعادت‌مند و خلیلی‌پور، ۱۳۸۷). در واقع؛ تعداد دروس عمومی حدود یک هفتم یا به عبارتی ۱۵ درصد کل واحدها را تشکیل می‌دهند که از این ۱۵ درصد، حدود ۹ درصد یا بیش از یک دوم آن را دروس معارف اسلامی تشکیل می‌دهند (آقایی جنت‌مکان،

شناسایی استانداردها و مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس استادانِ دروسِ معارفِ اسلامی ♦ ۴۷۵

۱۳۸۵). فلسفه وجودی گنجاندن دروس معارف اسلامی در دانشگاهها کمک به دانشگاهها در ایفای نقش ذاتی و مأموریت اساسی آنها؛ یعنی «انسان‌سازی» است (مجیدی و فاتحی، ۱۳۸۵). همچنین، از آنجا که مبنای نظری آموزش ایران بر اساس جهان‌بینی توحیدی و اساس این تفکر زیربنای نظریه تعلیم و تربیت دینی است، اهمیت دانستن معارف اسلامی مورد توجه بیشتر قرار می‌گیرد. (کرمعلیان، ۱۳۸۵)

در این میان، آموزشهای دینی به دلیل ویژگی‌های خاص محتوایی و تمایز آن با سایر دروس مانند ریاضی، فیزیک، زیست‌شناسی و ...، اقتضانات ویژه‌ای دارد (ساجدی، ۱۳۸۹). در واقع؛ در تدریس دروس دینی می‌توان میان دو اصطلاح «دین‌دهی» و «دین‌یابی» تفاوت قائل شد. دین‌دهی که بر مبنای اصول و روشهای رفتارگرایی استوار شده، ناشی از تکرار روشهای تربیتی است که از راه تقویت مثبت و منفی، پرورش عاداتها و پذیرش گزاره‌های دینی، بدون پرسشگری و نقادی سعی در دین‌دهی به جای دین‌یابی دارد. به عبارت دیگر؛ این نوع دین‌دهی جزء ذاتی و هویت فرد نمی‌شود و همواره حالت عاریتی دارد. در مقابل، هم‌کناری پرورش عقل نقاد و توجه به تجربه دینی در برنامه‌های تربیت دینی می‌تواند فرایند دین‌یابی را به نوعی فرایند دیالکتیک برای رسیدن به یک معنا تبدیل سازد. در چنین حالتی، بین عقل و تجربه‌های دینی یا فراعقلی تعارضی نخواهد بود و نوسان عقل و دل زمینه‌ساز رشد دینی فرد می‌شود (یزدبناه و شمشیری، ۱۳۹۲). از این رو، از استادان معارف اسلامی انتظار می‌رود در فرایند روش تدریس دروس دینی، روشهایی را به کار گیرند که به حساسیتهای ویژه‌ای که در فرایند یاددهی - یادگیری دروس معارف اسلامی وجود دارد، توجه داشته باشند؛ که این امر نیازمند رعایت برخی اصول و استانداردهای اخلاقی از سوی اساتید معارف اسلامی در فرایند تدریس است. در حقیقت؛ رعایت ضوابط و ارزشهای اخلاقی مرتبط با آموزش و یادگیری به این امر کمک می‌کند که حقوق دانشجویان در برخورداری از بهترین آموزشها و شأن یادگیری از یک طرف و شأن و جایگاه علم و علم‌آموزی از طرف دیگر رعایت شود (آراسه و حسینی، ۱۳۹۰). همچنین حرفه‌ای بودن اساتید (به خاطر داشتن دانش تخصصی و فنی) در فرایند تدریس، اثربخشی آن را تضمین می‌کند. (مارکی، ۲۰۰۳)

ب) بیان مسئله

اخلاق حرفه‌ای یکی از شعبه‌های جدید اخلاق کاربردی است که برای آن اصولی خاص متصور است و می‌کوشد به مسائل اخلاقی حرفه‌های گوناگون پاسخ دهد. (کرمپوریان و همکاران، ۱۳۹۲)

اخلاق جمع خُلق و خُلُق از ماده «خ ل ق» به معنای سجایا و منشهای پایدار درونی (اعم از خوب یا بد) است (نجارزادگان، ۱۳۸۷). از طرفی، تنوع و پیچیدگی شغلی در روزگار ما شاخه‌های گوناگونی از اخلاق شغلی

۴۷۶ ◊ فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۲۱

را به میان آورده است؛ مانند اخلاق پرستاری، اخلاق خبرنگاری، اخلاق کتابداری، اخلاق در پژوهش، اخلاق تدریس، اخلاق پلیس و ... (فرامرزی قراملکی، ۱۳۸۷: ۱۵۱). به عبارت دیگر؛ هر مجموعه سازمانی دارای کدهای اخلاقی، متناسب با ساختار حرفه‌ای خود است که اخلاق حرفه‌ای نام دارد.

آموزش عالی نیز نظامی حرفه‌ای است و استادان دانشگاهها به عنوان افرادی که مسئولیت تعلیم و تربیت دانشجویان را بر عهده دارند، باید از اصول اخلاق حرفه‌ای معلمی آگاهی داشته، به آن پایبند باشند. رعایت اخلاق آموزشی تضمین‌کننده سلامت فرایند یاددهی - یادگیری در دانشگاه است و موجب افزایش تعهد پاسخگویی مدرسان نسبت به نیازهای دانشجویان می‌شود. (ایمانی‌پور، ۱۳۹۱)

تدریس، بخش تنومند و مهمی از فرایند تعلیم و تربیت است که علاوه بر نیاز به مهارت در اجرای روشهای مناسب، نیازمند ملاحظات اخلاقی خاص حرفه تدریس (مثل مهارت در اجرای روشهای تدریس) است (بیرونی کاشانی و باقری، ۱۳۸۷). توصیه‌نامه سازمان بین‌المللی کار (۱۹۹۶)، تدریس را به عنوان یک حرفه معرفی می‌کند. همچنین صاحب‌نظران زیادی از جمله *داوینس*^۲ (۲۰۰۱)، *مارکی* (۲۰۰۳)، *فریدمن و فوگل*^۳ (۲۰۰۵)، *کلارک*^۴ (۲۰۰۴) و *کمپل*^۵ (۲۰۰۸)، معلمان و استادان را به عنوان اشخاص حرفه‌ای تلقی کرده و تأکید می‌کنند که تدریس یک فعالیت حرفه‌ای است و هر عمل حرفه‌ای به طور عمیقی در موضوعات و ملاحظات اخلاقی درگیر است.

در دروس معارف اسلامی، به ویژه عواملی همچون: شخصیت استاد، نحوه برخورد با افکار و عقاید دانشجویان، داشتن دانش تخصصی تدریس در فرایند یادگیری، جو روانی - اجتماعی کلاس و همه عناصری که به عنوان «اخلاق» و «حرفه» در تدریس وجود دارند، باید در خور توجه باشند. مثلاً در بحثهای متعارف علمی، دانشجو آمادگی پذیرش از هر استادی را دارد و رفتارهای بیرونی او را در پذیرش درس کمتر دخالت می‌دهد؛ اما در دروس دینی چنین نیست (ساجدی، ۱۳۸۹). حساسیت استادی معارف اسلامی در تدریس این دروس و رعایت مسائل اخلاقی و حرفه‌ای در انجام این رسالت خطیر، بسیار مهم است. در واقع؛ هدف غایی دانشجویان از حضور در کلاس، نه صرف گذراندن نمره قبولی از آن، بلکه باید یادگیری تمام اصول، جنبه‌های دینی و کاربردی تمام آنها در زندگی فردی و اجتماعی باشد؛ به گونه‌ای که این عمل به صورت خودجوش و با رضایت درونی انجام شود. اما تحقیقات *لیاقتدار* و همکاران (۱۳۸۷) و *مجیدی* و *فاتحی* (۱۳۸۵) راجع به بررسی میزان رضایت دانشجویان درباره ویژگی‌های فردی و شخصیتی اساتید معارف اسلامی، نشان داد که رضایت دانشجویان کمتر از سطح متوسط بوده است. با توجه به آنچه گفته شد

1. International Labor Organization (ILO)

2. Davis

3. Friedman & Fogell

4. Clark

5. Campbell

شناسایی استانداردها و مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس استادانِ دروسِ معارفِ اسلامی ۴۷۷

می‌توان گفت که کمتر رضایت کم دانشجویان از ارائه و تدریس دروس معارف اسلامی و دینی می‌تواند ناشی از عدم توجه متولیان نظام آموزش عالی در تربیت دینی و استادان معارف اسلامی در تدوین و شناسایی استانداردها و مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس مواد درسی این دروس باشد.

ج) هدف پژوهش

با استناد به آنچه گفته شد، هدف این مطالعه، شناسایی استانداردها و مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس برای استادان معارف اسلامی است تا در نهایت، چارچوب مفهومی مناسب اخلاق حرفه‌ای تدریس برای استادان دروس معارف اسلامی ارائه شود.

د) مرور ادبیات و پیشینه پژوهش

امروز این باور غلط وجود دارد که هر فرد عالمی، معلم تصور می‌شود، اما چه بسا بسیاری از افراد که متخصص و خبره‌اند، اما نمی‌توانند در حرفه تدریس، موفقیت چندانی کسب کنند. اثربخشی فرایند تدریس و آموزشهای دانشگاهی به عنوان یک حوزه مهم حرفه‌ای، به مجموعه‌ای از عوامل فردی، حرفه‌ای و سازمانی بستگی دارد. در این میان، برخورداری اعضای هیئت علمی و استادان دانشگاه از قابلیت‌ها و صلاحیت‌های حرفه‌ای در فرایند تدریس، نقشی تعیین کننده در افزایش اثربخشی فعالیت‌های آموزشی و پرورشی دارد. در واقع؛ رعایت استانداردهای اخلاق حرفه‌ای در تدریس به منزله منشور اخلاق حرفه‌ای تلقی می‌شود که اهتمام استادان به آنها در تعامل با دانشجویان، همکاران و مجموعه سازمانی گروه آموزشی و دانشگاه می‌تواند علاوه بر افزایش کارآمدی در بازده تدریس، به سطح بالایی از رضامندی ذی‌نفعان چنین فرایندی، به خصوص دانشجویان بینجامد (عزیزی، ۱۳۸۹). استادان معارف اسلامی نیز به عنوان مبلغین دین اسلام، نقشی بسیار مهم و حساس را در امر دین و دینداری بر عهده دارند. این مهم از آنجا ناشی می‌شود که امروزه در عصر تحولات شگرف علمی، نسبی‌گرایی اخلاقی - ارزشی و عصر تکثرگرایی فرهنگی و مبارزه با بنیادگرایی، مقوله‌ای به اسم ناکارآمدی دین، مطرح شده و جوانان نسبت به دین و کارکردهای آن بی‌انگیزه و سست می‌شوند. بنابر این، انجام این وظیفه مهم نیازمند داشتن ویژگی‌های اخلاقی و حرفه‌ای برای استادان معارف اسلامی به عنوان یک الگوی اسلامی است. لذا داشتن چارچوب‌های اخلاقی تدریس برای کسی که وظیفه امر تربیت و پرورش معنوی دانشجویان را در نظام آموزش عالی بر عهده دارد، لازم و ضروری است. با توجه به بررسی‌های پژوهشگران، در زمینه اخلاق حرفه‌ای تدریس دروس (از جمله دروس دینی) در ایران تحقیقات کمی صورت گرفته است. فقط چند پژوهش در حوزه محدودی انجام شده است که بر اساس میزان اهمیت و ارتباط با موضوع ذکر می‌شوند.

بیرونی کاشانی و باقری (۱۳۸۷) در تحقیقی به بررسی مبانی و اصول اخلاق تدریس بر اساس فلسفه اخلاق اسلامی پرداخته، ابعاد اخلاقی کار معلم در روابط گوناگون او با شاگردان، والدین، سایر معلمان و مسئولان بالاتر را مورد بحث و بررسی قرار داده و اصول اخلاقی متناسب با هر کدام را بیان کرده‌اند. لیاقتدار و همکاران (۱۳۸۷) نیز در دو تحقیق مشابه خود، به بررسی میزان رضایت دانشجویان از ویژگی‌های علمی - تخصصی استادان دروس عمومی معارف اسلامی و محتوای آنها پرداخته‌اند، که نتایج آن نشان داد میزان رضایت دانشجویان از ویژگی‌های علمی تخصصی استادان دروس عمومی معارف اسلامی در سطح متوسط و میزان رضایت از ویژگی‌های حرفه‌ای مدرسی و فردی شخصیتی استادان دروس عمومی معارف اسلامی کمتر از سطح متوسط بوده است. مطلبی فرد، نوبه/ابراهیم و محسن زاده (۱۳۹۰) نیز در تحقیقی به بررسی و شناسایی نشانگرهای حرفه‌ای و اخلاقی در آموزش و تدریس پرداختند. نتایج این تحقیق نشان داد که تدریس اخلاقی از دیدگاه دانشجویان دارای هشت مؤلفه اساسی است که عبارتند از: میزان کارآمدی در آموزش، کارآمدی در ارائه محتوا، تعامل حرفه‌ای، توجه به رشد همه‌جانبه دانشجویان، احترام به همکاران، فضای بحثی مناسب در کلاس، احترام به کلاس و ارزشیابی مناسب.

ایمانی پور (۱۳۹۱) پژوهشی را با عنوان «اصول اخلاق حرفه‌ای در آموزش» و با هدف تبیین اخلاق حرفه‌ای استادان دانشگاهها به عنوان یک معلم، انجام داده است. به این منظور، گزیده‌ای از دستورات اخلاقی اسلام در ارتباط با موضوع، تشریح شده و به قوانین برخی از کشورها در زمینه اخلاق حرفه‌ای تدریس نیز اشاراتی شده است. نتایج این تحقیق نشان داد که یک استاد باید در دو بعد خود را ملزم به رعایت اصول اخلاقی بداند؛ اول، به جهت جایگاه تأثیرگذاری که بر رفتار و افکار فراگیران دارد، و بداند مؤثرترین روش در انتقال ارزشهای اخلاقی مثبت، آشکار شدن آنها در رفتار واقعی مدرّس است. دوم، به جهت وظیفه‌ای که در قبال برآوردن نیازهای آموزشی دانشجویان دارد، و مسئولیتهای آموزشی خود را به بهترین نحو به انجام رساند.

خارج از کشور نیز استریک^۱ (۲۰۰۵)، داویس^۲ (۲۰۰۱)، پانتیک و ووبلز^۳ (۲۰۱۲) و شاپیرا^۴ (۲۰۱۳) در تحقیقات مختلف خود به بررسی اصول اخلاقی تدریس و قابلیت‌های حرفه‌ای برای معلمان و استادان پرداخته‌اند. نتایج این پژوهشها نشان داد که سه هنجار کلی برای اخلاقیات تدریس وجود دارد که عبارتند از: معلمان باید موضوعاتشان را با صداقت تدریس کنند، کلاسشان را هماهنگ با اصول دموکراتیک اداره کنند و محیطی را به وجود بیاورند که رشد را ارتقا دهند. همچنین بر اهمیت آموزش معلمان و استادان و تقویت آنها از طریق برنامه‌های کاربردی مؤثر و تکنیکهای ارزیابی به منظور ایجاد کیفیت در آموزش به فراگیران تأکید کردند.

1. Strike
2. Pantic & Wubbels
3. Shapira

هـ) روش و ابزار

روش پژوهش از نوع طرح تحقیق آمیخته اکتشافی تحولی است. در این روش ابتدا داده‌های کیفی گردآوری می‌شوند و در مرحله دوم، تحلیل داده‌های کمی که بر اساس نتایج کیفی مرحله اول بنا نهاده شده‌اند، صورت می‌گیرد (کرسول، ۱۳۹۲: ۳۵۸). در قسمت کیفی از روش تحلیلی-استنتاجی استفاده شد. از این روش که از نوع تحقیقات کیفی است (کیانی و صادق‌زاده قمصری، ۱۳۹۰)، می‌توان هم برای نظریه‌پردازی و هم برای تحلیل، ارزیابی و نقد نظریه در عرصه تعلیم و تربیت استفاده کرد (باقری، سجادیه و توسلی، ۱۳۸۹). *نیک‌نشان* و همکاران (۱۳۹۱) مراحل این روش را چنین بیان می‌کنند: جمع‌آوری و انتخاب منابع مرتبط با موضوع، مطالعه دقیق منابع به منظور بازشناسی دیدگاه‌های مطرح شده در حوزه مورد بررسی و در نهایت استخراج اطلاعات و استنتاج از آنها. (نیک‌نشان و همکاران، ۱۳۹۱)

در این مقاله نیز در گام اول با بررسی پیشینه موضوع، پژوهش‌های مرتبط با موضوع پژوهش (اخلاق حرفه‌ای تدریس) شناسایی شد. در گام دوم، ویژگی‌ها و مقوله‌های مربوط به اخلاق استخراج و در نهایت، با ادغام و تلفیق مقوله‌های مشابه، مقوله و مؤلفه مناسب استنتاج و مفهوم‌سازی شد. در قسمت کمی نیز برای بررسی مقایسه دیدگاه استادان معارف اسلامی و دانشجویان از روش پیمایش پرسشنامه‌ای (پرسشنامه محقق ساخته)، از آزمون تی مستقل استفاده شد. این پژوهش از حیث هدف نیز از نوع کاربردی است.

۱. جامعه آماری

جامعه آماری در بخش کیفی، کتابها و مقالات علمی فارسی و انگلیسی مرتبط با اخلاق حرفه‌ای تدریس به طور عام و اخلاق حرفه‌ای تدریس برای استادان معارف اسلامی به طور خاص بود. از آنجا که از کلیه منابع و مدارک موجود استفاده شده است، نمونه‌گیری نیز صورت نپذیرفته است. جامعه آماری در بخش کمی، کلیه استادان معارف اسلامی، همچنین کلیه دانشجویان تحصیلات تکمیلی گروه علوم تربیتی دانشگاه فردوسی مشهد بود. حجم جامعه استادان ۴۰ نفر و حجم جامعه دانشجویان تحصیلات تکمیلی علوم تربیتی ۱۹۹ نفر بوده است. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شد. منطق این نوع نمونه‌گیری، استفاده از افراد غنی از اطلاعات در مورد موضوع است (گال، بورگ و گال، ۱۳۹۳: ۹۵۸). بنابراین، از گروه معارف اسلامی ۱۹ نفر و از گروه دانشجویان ارشد علوم تربیتی ۳۳ نفر به عنوان نمونه انتخاب شدند.

۲. فرایند گردآوری داده‌ها

برای گردآوری داده‌های کیفی و کمی تحقیق، راهبردهای ذیل انجام شد:

۱. مرحله شناسایی و بررسی منابع مربوط به موضوع: در این قسمت، اسناد و مدارک، کتابها و مقالات داخلی و خارجی در حوزه مورد بررسی، شناسایی و جمع‌آوری شد.

۲. استخراج و شناسایی استانداردهای اساسی: تا حد امکان پیشینه و ادبیات موضوع با تأکید بر منابع اسلامی بررسی شد؛ بدین صورت که تمام عبارات، کلمات و جملات در رابطه با اخلاق و حرفه تدریس، استخراج شد.

۳. ادغام و تلفیق استانداردهای مشابه در قالب مؤلفه اولیه: به علت تعداد زیاد موارد استانداردها و مبهم بودن آنها مشتمل بر تکرار فراوان موارد مشابه، پژوهشگران بعد از شناسایی طبقه‌بندی‌های مختلفی که از ویژگی‌های اخلاقی و حرفه‌ای تدریس برای استادان و معلمان وجود داشت، آنها را بررسی کردند تا طبقه‌بندی به گونه‌ای صورت گیرد که در عین انتخاب عبارات مناسب برای استانداردهای استخراج شده، جامع و مانع باشد.

۴. برای اعتباریابی مؤلفه‌های استخراج شده (میزان تناسب هر مؤلفه و استاندارد با حیطه مورد نظر) از نظرات متخصصان استفاده شد. برای سنجش پایایی کدگذاری از روش هولستی^۱ استفاده شد؛ به این صورت که دو کدگذار در ۵۰ استاندارد استخراج شده قضاوت کردند و بین آنها در ۴۶ استاندارد توافق داشتند که در نهایت پایایی بین آن ۰/۹۲ محاسبه شد.

$$\text{پایایی} = \frac{2(46)}{50 + 50} = 0.92$$

۵. برای مقایسه دیدگاه‌های استادان و دانشجویان از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. برای هر مؤلفه یک طیف ده گزینه‌ای از ۱ با کمترین میزان تا ۱۰ با بیشترین میزان اهمیت در نظر گرفته شده است. در این مرحله هر یک از مؤلفه‌ها نیز تعریف شد؛ بدین صورت که هر یک از آنها در حد یک یا دو خط و ترجیحاً به صورت مصدری تعریف شد تا منظور و مقصود از هر مؤلفه مشخص شود.

روایی سؤالات پرسشنامه با استفاده از روایی محتوایی تأیید شد و برای بررسی پایایی نیز ابتدا آزمون مقدماتی روی اعضای نمونه تحقیق اجرا شد و پایایی آن بر اساس ضریب آلفای کرانباخ برابر با ۰/۸۶ به دست آمد.

ج) یافته‌ها

با توجه به هدف تحقیق، تا حد امکان ادبیات و آرای صاحب‌نظران و منابع علمی مختلف (کتابها و مقالات معتبر داخلی و خارجی) از سالهای دور تا کنون بررسی شد و نظریات آنها در مورد استانداردهای اخلاق حرفه‌ای تدریس (با تأکید بر دروس معارف اسلامی) به طور عام و تدریس برای استادان معارف اسلامی به

شناسایی استانداردها و مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس استادانِ دروسِ معارفِ اسلامی ❖ ۴۸۱

طور خاص، استخراج شد. هدف از این مرحله، دستیابی به فهرست جامعی از استانداردهای اخلاق حرفه‌ای تدریس برای استادان معارف اسلامی بود که در نهایت فهرستی مشتمل بر ۲۸۷ استاندارد (با تکرار بعضی موارد) و ۱۶۶ استاندارد (بدون تکرار موارد) گردآوری شد. در ادامه برای جمع‌بندی و تلخیص استانداردها و همچنین توضیح روشن و شفاف هر یک از آنها، در ۳۰ مؤلفه طبقه‌بندی شدند. (جدول ۱)

جدول ۱: استانداردهای استخراج شده از منابع و تلفیق موارد مشترک و مرتبط در قالب مؤلفه

تلفیق استانداردهای مشابه در قالب مؤلفه	برخی استانداردهای استخراج شده	
رعایت احترام و تکریم	احترام به حریم خصوصی دیگران (همکاران، دانشجویان و ...); به ارزشها و کرامتهای انسانی افراد (فرهنگ، عدالت اجتماعی، آزادی، دموکراسی، محیط زیست و ...). احترام بگذارند؛ به شأن و منزلت حقوق افراد (ارزشهای فرهنگی، جنسیت، سن، وضعیت اجتماعی و اقتصادی، ملیت و قومیت) احترام بگذارند؛ رعایت ادب و احترام نسبت به همکاران، دانشجویان و همه کسانی که در محیط آموزشی دانشگاه با آنها در ارتباط است؛ احترام به قوانین و مقررات دانشگاه در جهت حفظ منافع دانشجویان؛ به دیدگاهها و نظرات دانشجویان درباره مسائل و موضوعات گوناگون احترام بگذارند و از آنها استقبال کنند؛ به نظام تعلیم و تربیت و محیط علمی کلاس احترام بگذارند.	۱
دارا بودن دانش فنی تدریس و کاربرد آن در کلاس	رعایت توالی زمانی در ارائه موضوعات؛ برنامه‌ریزی برای مدیریت منابع و ابزارهای آموزشی در چارچوب فعالیتهای یادگیری تعیین شده؛ مهارتهای لازم برای درک سبکهای مختلف یادگیری، برای انطباق با انواع آموزش و افراد مختلف با توانایی فردی متفاوت؛ نظارت و ارزیابی با هدف بهبود یادگیری دانشجویان؛ تأکید بر محیطهای یادگیری تجربی (یادگیری در محیطهای واقعی)؛ توجه به اهمیت تجربه و مشاهده در یادگیری؛ داشتن طرح و برنامه برای تدریس؛ ارتباط بین اهداف تدریس با محتوای کتاب؛ رهبری و مدیریت کلاس؛ ارائه چارچوب کلی درس در آغاز تدریس.	۲
برقراری ارتباط مناسب و مؤثر	داشتن ارتباط حرفه‌ای و مناسب با همکاران و کارکنان دانشگاه؛ ارتباط با دانشجویان مبتنی بر اعتماد متقابل باشد؛ استفاده از کانالهای مختلف ارتباطی با همکاران، کارکنان و دانشجویان؛ رعایت ارزشهای اخلاقی در ارتباطات؛ حفظ تعادل در رابطه با دانشجویان (نه صمیمیت بسیار زیاد و نه روحیه خشک)؛ داشتن روحیه طنز و شوخ طبعی در کنار تدبیر؛ توانایی مذاکره با همکاران برای تبیین و توجیه مسائل آموزشی و تربیتی را داشته باشد؛ توانایی حل تعارضات بین دانشجویان و همکاران.	۳
دارا بودن دانش ارزشیابی و نحوه کاربرد آن	ارزشیابی دانشجویان به طور منظم و سازنده تأکید بر ارزشیابی تکوینی در فرایند تدریس؛ ارزشیابی متصفانه و دقیق؛ استفاده از تکنیکها و روشهای مختلف ارزشیابی برای سنجش یادگیری دانشجویان؛ درک ماهیت ارزشیابی و ضرورت استفاده از روشهای ارزشیابی متناسب با برنامه درسی، تدریس و ...؛ فرایند ارزشیابی بر اساس مطالب و محتوای ارائه شده در کلاس باشد؛ مداومت و استمرار بطنهای کلاسی و ارزشیابی از آنها؛ ارائه بازخوردهای آموزشی و تربیتی سازنده به گروه آموزشی؛ نظارت و مراقبت از یادگیری فراگیران با هدف بهبود مستمر یادگیری آنها.	۴
تقویت دانش تخصصی و شایستگیهای حرفه‌ای خود	افزایش دانش نظری و غنای محتوایی؛ رشد و توسعه مستمر در دانش و مهارت حرفه‌ای خود (به روز کردن دانش علمی)؛ داشتن دانش، مهارت و درک مفاهیم مربوط به حوزه تحصیلی خود؛ تجربه و تخصص در حوزه تخصصی و حرفه‌ای خود؛ آشنایی با معارف عبادی که از متون دینی و سیره معصومان به دست می‌آید، با هدف تربیت عبادی؛ استفاده از مطالب به روز برای تدریس؛ تسلط علمی استاد بر مطالب و محتوای دروس.	۵
داشتن بینش روان‌شناختی	توجه به بعد عاطفی فراگیران در فرایند یاددهی - یادگیری؛ خودداری از رفتارهای که باعث به وجود آمدن آسیبهای روانی در دانشجویان شود؛ آگاهی از باورهای روانی کسانی که در مورد ویژگیهای شخصیتی او اظهار نظر می‌کنند؛ تفهیم معیارهای اخلاقی، شکل‌دهی و تقویت کاربرد رفتارهای خوب در فراگیر؛ توجه به عوامل روانی در آزمونهای ارزیابی از دانشجویان (اضطراب، استرس، آمادگی ذهنی و ...). توجه به نیازهای مختلف و تفاوت فردی دانشجویان؛ مقابله مناسب با موضوعات حساس دینی، اعتقادی و ارزشی.	۶
توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی	توانایی شناخت آسیبهای اجتماعی جوانان و نوجوانان را داشته باشد؛ تلاش برای ایجاد و بازسازی فرهنگ مطلوب در جامعه و حفظ آن؛ مهارت لازم برای تجزیه و تحلیل و درک تفاوتهای فرهنگی و قومیتی؛ احترام به قانون حکومت و حفظ نظام دموکراسی؛ آگاهی از زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی اقوام مختلف دانشجویان؛ واقفیت‌گرایی و زمان‌شناسی (نسبت به مسائل فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ...)؛ همخوانی مطالب دروس معارف با واقعیت و نیازهای جامعه؛ نگرش مثبت به زندگی خود و دیگران.	۷

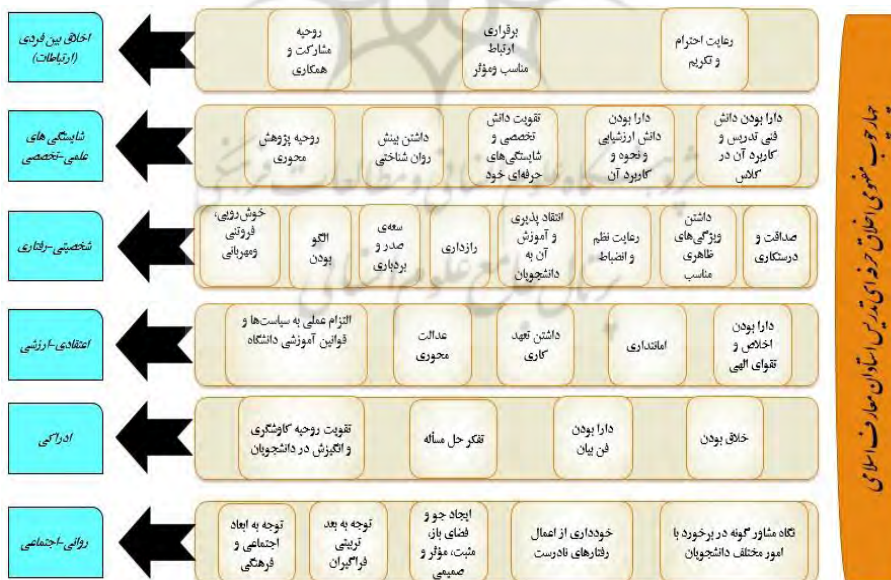
۴۸۲ ❖ فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۲۱

توجه به بعد تربیتی فراگیران (در کنار آموزش)	۸ محتوای ارائه شده در کلاس، دقیق و متناسب با موقعیت فعلی و زندگی واقعی دانشجویان باشد؛ بررسی نقاط قوت و ضعف یادگیری فراگیران و عواملی که بر آن مؤثرند؛ برخورد هنرمندانه و مناسب با موضوعات و مباحث حساسی که ممکن است ناراحتی دانشجویان را در پی داشته باشد؛ تلاش برای ارتقای فکر و شخصیتی همه دانشجویان.
داشتن روحیه مشارکت و همکاری	۹ تشویق فراگیران به مشارکت در بحثهای مربوط به کلاس و خارج از آن؛ توجه به مشارکت در انجام کارها با دیگران در دانشگاه (ذی‌نفعان، ذی‌صلاحان)؛ همکاری با افراد حرفه‌ای در زمینه دانش تخصصی خود برای تحقق مطلوب اهداف یادگیری دانشجویان در ابعاد مختلف؛ انجام کارهای پژوهشی مشترک با همکاران؛ همکاری با سازمانهای مختلف در زمینه حرفه‌ای دانش و تخصص خود؛ همکاری علمی و پژوهشی با دانشجویان با هدف ایجاد انگیزه و تقویت علمی آنها؛
خوش‌رویی، فروتنی و مهربانی	۱۰ فروتنی و نرمی و اخلاقی خوش داشته باشد؛ همیشه بشاش و متبسم باشد؛ سادگی و بی‌آلایشی در رفتار و کردار؛ عدم تأمین منافع مادی در قبال نمره دادن به دانشجو؛ مدار شفقت و مهربانی با شاگرد؛ احساس خوشرویی و لحن مناسب بیان با دانشجویان و همکاران.
عدالت محوری	۱۱ رعایت عدالت در برخورد با اختلافات مختلفی که در بین دانشجویان به وجود می‌آید؛ عدالت در ارزشیابی (عدم تداخل مسائل شخصی در ارزیابی فراگیران، در هنگام ارزیابی آموزشی فراگیران شرایط روحی و روانی یکسانی داشته باشد)؛ رعایت انصاف در نقد کردن (عدالت‌ورزی در بیان، عدم خرده‌گیری‌های بی‌مورد)؛ متعهد به برابری و احترام به تنوع فرهنگها، نژادها، معلولیت جسمی، قومیت و ...؛ قبول حق و حق گفتن؛ قوانین آموزشی و کلاسی به طور یکسان و برای همه.
دارا بودن اخلاص و تقوای الهی	۱۲ داشتن قصد قربت به خدا؛ پایبند بودن به آداب و سنن مذهبی و عدم غفلت در انجام فرایض دینی؛ ضرورت و لزوم اخلاص و پاکسازی نیت؛ توجه به خداوند و خیرخواهی از او؛ اخلاص (گفتار و کردار استاد رنگ خدایی داشته باشد)؛ کردار او باید به مانند بزرگان دین باشد.
نگاه مشاورگونه در برخورد با امور مختلف دانشجویان	۱۳ برخورد هنرمندانه و مثبت با موضوعات و مباحث حساسی که ممکن است با ناراحتی دانشجویان همراه شود؛ تدبیر در به کارگیری درست شیوه‌های ارشاد؛ رابطه استاد با دانشجو مانند رابطه پدر به فرزند باشد؛ عدم دید ابزاری به دانشجویان (نباید از دانشجویان به عنوان وسیله‌ای برای ارتقاء خود استفاده کنند).
ایجاد جو و فضای باز، مثبت، مؤثر و صمیمی	۱۴ آزادی بیان در محیط کلاس، به طوری که همه بتوانند در مباحث مختلف کلاسی شرکت کنند؛ ایجاد یک فضا و جو مثبت، صمیمی و دوستانه در کلاس، به دور از هرگونه تعصبات دینی و نژادپرستانه؛ یک فضای ایمن و مطمئن را برای یادگیری فراگیران به وجود آورد (رسیدن به این باور که آموزش در یک فضای آرام حق همه دانشجویان است)؛ ایجاد فضای اسلامی در دانشگاه و کلاس.
رازداری	۱۵ محرمانه بودن در روابط شخصی با دانشجویان (رعایت حقوق آموزشی و حریم خصوصی مانند روابط استاد با خانواده فراگیر)؛ محرمانه بودن نمرات دانشجویان، سوابق حضور و غیاب.
صداقت و درستی	۱۶ صداقت در گفتار و کلام و اعتماد عمومی؛ قابل اطمینان بودن و درستکاری در عمل اخلاقی؛ صداقت در ارائه گزارشهای تحصیلی به گروه آموزشی و دانشکده؛ صداقت در ارتباطاتی که با دانشجویان دارد.
ویژگی‌های ظاهری	۱۷ پوشش لباس مناسب (پوشیدن لباسهای آشکار، یا لباسهای با شعارهای توهین آمیز و غیراخلاقی نمونه‌ای از ویژگی‌های پوشش نامناسب هستند)؛ ظاهر مناسب و آراسته (رعایت مسائل بهداشتی، استفاده از عطر برای خوشبوئی و ...).
خودداری از اعمال رفتارهای نادرست	۱۸ خودداری از رفتارهای نامناسب مثل رفتارهای که ممکن است ضرب و شتم یا آسیبهای روانی را برای دانشجویان به دنبال داشته باشد؛ اجتناب از تکبر و نشان ندادن احساسات نامناسب شخصی؛ پرهیز از شوخی و طنزهای ناپسند؛ از هرگونه اسراف و تبذیر و افراط در هر کاری (مثلاً خوردن و نوشیدن) خودداری کند؛ پرهیز از صراحت در هدایت و تأدیب شاگرد؛ در فرایند تدریس کلاسی فضائل اخلاقی را رعایت کند، چرا که آنها مسئول به وجود آوردن یک جامعه اخلاقی مناسب هستند.
انتقادپذیری و آموزش آن به دانشجویان	۱۹ افزایش تفکر انتقادی دانشجویان (مانع قبول آنها در پذیرش یک دیدگاه خاص باشد، به عبارتی نباید آنها را شستشوی مغزی بدهد)؛ تأمل و ارزیابی انتقادی عمل حرفه‌ای خود به عنوان یک استاد؛ ارزیابی نقادانه از خود و توسعه ظرفیتهای درونی خود.
تقویت روحیه کاوشگری و انگیزش در دانشجویان	۲۰ روحیه جستجوگری و به چالش کشیدن ذهن دانشجویان در کلاس؛ تشویق دانشجویان به تلاش و موفقیتهای علمی؛ ایجاد فضای شور و اشتیاق برای تقویت انگیزه در دانشجویان جهت شرکت در بحث؛ محتوا درس مناسب با علایق فراگیران باشد؛ پرهیز از القای روحیه یأس.
التو بودن	۲۱ داشتن شخصیت آموزشی و آکادمی‌ک؛ توجه به اهمیت جایگاه نقش خود در جامعه به عنوان یک الگوی رفتاری (او در رأس ساختارها و نهادهای عمومی مردم جامعه و عامل تغییر آن است)؛ آیین شفاف از اوصاف گرانقدر اخلاق باشد؛ عمل به بیانات و توصیه‌های خود.

شناسایی استانداردها و مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس استادان دروس معارف اسلامی ۴۸۳

۲۲	آگاهی از انتظارات، قوانین، سیاستها و چارچوب‌های انضباطی سازمان دانشگاه و رعایت آنها؛ آشنایی با قوانین آموزشی دانشکده؛ پایبند بودن به قوانین و مقررات آموزشی.	التزام عملی به سیاستها و قوانین آموزشی دانشگاه
۲۳	پذیرش مسئولیت برای یادگیری و توسعه حرفه خود؛ مسئولیت‌پذیری در قبال دانشجویان تعهد کاری نسبت به قبول پذیرش شغل استادی؛ توجه به درخواستهای قانونی دانشجو.	تعهد کاری
۲۴	رعایت نظم و انضباط در امورات مختلف زندگی؛ برای افراد اخلاص گران در کلاس مجازات تعیین کند؛ رعایت وقت قانونی کلاس و استفاده از وقت؛ مدیریت و توانایی برقراری نظم در کلاس درس.	رعایت نظم و انضباط
۲۵	داشتن روحیه تحمل و بردباری و سعه صدر در برخورد با دانشجویان از طرف استادان؛ خودداری از جدال و ستیزه‌جویی در بحث.	سعه صدر و بردباری
۲۶	انجام کارهای پژوهشی مشترک با همکاران و دانشجویان؛ همکاری با سازمانهای مختلف در زمینه حرفه‌ای خود؛ به اشتراک گذاری منابع علمی بین همکاران و پایگاههای علمی مختلف.	روحیه پژوهش محوری
۲۷	از زبانی گویا و بیانی توانا برخوردار باشد؛ استفاده از لحن و بیان مثبت و نشاط انگیز.	دارا بودن فن بیان
۲۸	سازماندهی و نظامند کردن افکار خود به صورت مصمم و جدی؛ توانایی تشخیص، تجزیه و تحلیل مسائل و مشکلات کاری خود و دانشجویان.	داشتن تفکر حل مسئله
۲۹	عدم استفاده از امکانات دانشگاهی جهت امور شخصی؛ استفاده صحیح از اموال و منابع دانشگاه و دانشکده و جلوگیری از اسراف.	امانتداری
۳۰	توانایی تولید اندیشه‌ها و افکار نو و نگاهی کنجکاو و کاوشگر نسبت به پدیده‌های مختلف فرایند تدریس.	خلاق بودن

ارائه چارچوب مفهومی اخلاق حرفه‌ای تدریس (استادان معارف اسلامی): در پایان برای تلخیص ۳۰ مؤلفه اولیه و فهم بهتر مؤلفه‌ها، در ۶ مؤلفه اصلی و خوشه اخلاق بین فردی (ارتباطات)، شایستگی‌های علمی تخصصی، شخصیتی رفتاری، اعتقادی-ارزشی، ادراکی، روانی اجتماعی در یک چارچوب مفهومی سازماندهی شده است.



شکل ۱: چارچوب اخلاق حرفه‌ای تدریس برای استادان معارف اسلامی

۴۸۴ ◊ فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۲۱

نتایج تکمیلی: در ادامه برای مقایسه نظرات استادان و دانشجویان درباره میزان اهمیت مؤلفه‌های اولیه اخلاق حرفه‌ای تدریس استادان معارف اسلامی، از آزمون تی مستقل استفاده شد که نتایج در جدول ۲ مشاهده می‌شود. پیش از انجام آزمون تی، برای بررسی مفروضه نرمال بودن داده‌ها از آزمون کالموگروف-اسمیرنوف استفاده شد.

جدول ۲: آزمون کولموگروف-اسمیرنوف برای بررسی نرمال بودن داده‌ها

تعداد	میانگین	انحراف استاندارد	مقدار آماره Z برای آزمون	مقدار احتمال
۵۲	۵۹/۲۷۳	۱۷/۴۱	۰/۹۳۵	۰/۳۴۶

نتایج این آزمون نشان داد که توزیع نمرات اخلاق حرفه‌ای تدریس به طور معناداری با توزیع نرمال تفاوت ندارد ($p > 0/05$ $k-s=$, $0/93$)

جدول ۳: نتایج حاصل از آزمون تی مستقل برای مقایسه بین دانشجویان و استادان از لحاظ میزان اهمیت خرده‌مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس استادان معارف اسلامی

ردیف	خرده مقیاس	تی	درجه آزادی	مقدار معناداری (P)	میانگین	
					دانشجویان	استادان
۱	رعایت احترام و تکریم	۱/۰۷۴	۵۰	۰/۰۰۷	۹/۷۵۷	۹/۵۷۸
۲	دارا بودن دانش فنی تدریس و کاربرد آن در کلاس	۲/۲۶۱	۵۰	۰/۰۰۱	۹/۲۴۲	۸/۳۱۵
۳	برقراری ارتباط مناسب و مؤثر	۲/۱۰۶	۵۰	۰/۰۰۴	۹/۸۷۸	۹/۵۷۸
۴	تقویت دانش تخصصی و شایستگی‌های حرفه‌ای خود	-۱/۸۳۹	۵۰	۰/۰۲۷	۹/۲۷۲	۹/۶۳۱
۵	دارا بودن دانش ارزشیابی و نحوه و کاربرد آن	۱/۹۶۶	۵۰	۰/۰۱۰	۸/۴۸۴	۷/۷۸۹
۶	داشتن بینش روان‌شناختی	۶/۵۰۹	۵۰	۰/۰۱۹	۹/۱۵۱	۷/۸۴۲
۷	توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی	۲/۹۰۹	۵۰	۰/۰۳۳	۸/۹۶۹	۸/۰۵۲
۸	توجه به بعد تربیتی فراگیران	۲/۶۶۳	۵۰	۰/۰۰۰	۸/۸۱۸	۸/۳۶۸
۹	داشتن روحیه مشارکت و همکاری	۳/۶۹۱	۵۰	۰/۰۰۲	۹/۰۳۰	۷/۷۸۹
۱۰	عدالت محوری	۰/۰۹۸	۵۰	۰/۲۸۷	۹/۵۴۵	۹/۵۲۶
۱۱	دارا بودن اخلاص و تقوی الهی	۰/۹۴۴	۵۰	۰/۰۵۵	۹/۹۳۹	۹/۸۴۲
۱۲	خوشرویی، فروتنی و مهربانی	۲/۸۸۸	۵۰	۰/۰۰۰	۹/۸۴۸	۹/۳۶۸
۱۳	ایجاد جو و فضای باز، مثبت، مؤثر و صمیمی	۳/۳۴۲	۵۰	۰/۰۲۴	۹/۵۴۵	۸/۸۴۲
۱۴	رازداری	۵/۸۴۰	۵۰	۰/۰۰۰	۹/۹۳۹	۹/۸۴۲
۱۵	صداقت و درستکاری	۱/۳۳۸	۵۰	۰/۰۰۷	۱۰/۰۰۰	۹/۹۴۷
۱۶	داشتن ویژگی‌های ظاهری مناسب	۱/۳۹۱	۵۰	۰/۰۲۲	۹/۳۰۳	۸/۷۸۹

شناسایی استانداردها و مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس استادانِ دروسِ معارفِ اسلامی ۴۸۵

۸/۸۹۴	۸/۵۴۵	۰/۰۲۵	۵۰	-۱/۲۳۸	انتقاد پذیری و آموزش آن به دانشجویان	۱۷
۸/۳۱۵	۸/۹۳۹	۰/۹۸۹	۵۰	۲/۱۵۸	تقویت روحیه کاوشگری و انگیزش در دانشجویان	۱۸
۹/۰۰۰	۹/۲۰۶	۰/۰۰۰	۵۰	۲/۳۵۶	داشتن تعهد کاری	۱۹
۸/۳۶۸	۸/۱۵۱	۰/۰۶۳	۵۰	--۰/۵۱۶	التزام عملی به سیاستها و قوانین آموزشی دانشگاه	۲۰
۸/۷۸۹	۹/۹۳۹	۰/۰۰۰	۵۰	۴/۹۱۲	الگو بودن	۲۱
۸/۹۴۷	۹/۷۲۷	۰/۰۰۰	۵۰	۲/۱۹۷	خودداری از اعمال رفتارهای نادرست	۲۲
۹/۶۳۱	۹/۴۸۴	۰/۵۳۴	۵۰	--۰/۶۷۳	رعایت نظم و انضباط	۲۳
۹/۱۰۵	۹/۸۱۸	۰/۰۷۷	۵۰	۴/۹۱۲	سعه صدر و بردباری	۲۴
۷/۲۱۰	۹/۵۴۵	۰/۰۰۰	۵۰	۸/۷۰۹	نگاه مشاورگونه در برخورد با امور مختلف دانشجویان	۲۵
۸/۷۳۶	۸/۲۳۳	۰/۰۷۱	۵۰	۵/۰۷۸	روحیه پژوهش محوری	۲۶
۸/۷۸۹	۹/۶۳۶	۰/۰۰۱	۵۰	۲/۲۱۷	دارا بودن فن بیان	۲۷
۸/۰۵۲	۸/۲۱۲	۰/۰۳۷	۵۰	۲/۴۵۸	داشتن تفکر حل مسئله	۲۸
۹/۷۳۶	۹/۸۸۷	۰/۳۴۲	۵۰	۰/۳۲۱	امانتداری	۲۹
۷/۸۴۲	۸/۵۴۵	۰/۰۴۷	۵۰	۳/۱۷۰	خلاق بودن	۳۰

نتایج آزمون تی در جدول ۳ نشان می‌دهد که بین نظرات دانشجویان و استادان معارف اسلامی درباره میزان اهمیت بعضی از مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس برای استادان معارف اسلامی تفاوت معناداری وجود دارد و در اکثر موارد، دانشجویان انتظار بیشتری را بروز داده‌اند. (اهمیت بیشتری به رعایت موارد مزبور داده‌اند)

(د) بحث و نتیجه‌گیری

یافته‌های حاصل از این پژوهش به شناسایی استانداردها و مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس برای استادان معارف اسلامی منجر شد. نتایج این پژوهش با پژوهش‌های *لیاقتدار* و همکاران (۱۳۸۷)، *مجیدی و فاتحی* (۱۳۸۵)، *مطلبی‌فرد، نوه ابراهیم و محسن‌زاده* (۱۳۹۰)، *بیرونی کاشانی و باقری* (۱۳۸۷) همسو است.

آنچه بر اساس یافته‌ها در این پژوهش مهم شناخته شد این بود که در کنار اهمیت تمام مؤلفه‌های اخلاقی برای استادان معارف و ضرورت همه آنها به عنوان یک چارچوب مفهومی و کدهای اخلاقی برای آنها، بیشتر به جنبه تربیتی اهمیت داده می‌شود تا جنبه آموزشی و تخصصی.

این نکته مهم را نیز باید متذکر شد که با توجه به اینکه قسمتی از نتایج تحقیق درباره مقایسه نظرات دانشجویان و استادان درباره میزان اهمیت هر یک از مؤلفه‌های اخلاقی و حرفه‌ای تدریس برای استادان معارف اسلامی بود، توجه به نظرات دانشجویان به عنوان ذی‌نفعان نظام آموزش عالی و استادان به عنوان

مجریان و کسانی که برنامه درسی و عمل تدریس را در کلاس درس معارف اسلامی پیاده می‌کنند، امری درخور توجه است.

همان طور که در نتایج مشاهده شد، دانشجویان در موارد اخلاقی و حرفه‌ای استادان معارف اسلامی از جمله رعایت احترام و تکریم، داشتن روحیه مشارکت و همکاری، داشتن بینش روان‌شناختی، توجه به بعد تربیتی فراگیران، دارا بودن اخلاص و تقوای الهی خوشرویی، ایجاد جو و فضای باز، مثبت، مؤثر و صمیمی، رازداری صداقت و درستکاری، دارا بودن دانش فنی تدریس، دارا بودن فن بیان نگاه مشاورگونه در برخورد با امور مختلف دانشجویان و ... انتظار ایفای نقش بیشتری از سوی اساتید داشتند.

بیشترین تفاوتها در مؤلفه‌های «نگاه مشاورگونه در برخورد با امور مختلف دانشجویان» با میانگین ۹/۵۴۵ برای دانشجویان و میانگین ۷/۲۱۰ برای استادان و «داشتن بینش روان‌شناختی» با میانگین ۹/۱۵۱ برای دانشجویان و میانگین ۷/۸۴۲ برای استادان بود؛ به گونه‌ای که دانشجویان به این دو بعد توجه خاصی داشتند. این تفاوتها اهمیت بُعد تربیتی- مشاوره‌ای اساتید را از نگاه دانشجویان روشن می‌سازد. به عبارت دیگر؛ آنها در بحث مسائل دینی که در زندگی واقعی آنها تأثیرگذار است و در واقع همان برنامه زندگی آنهاست، انتظارات بالایی دارند. توجه به این تفاوت در نگاه مشاوره‌ای و روان‌شناختی، می‌تواند به مثابه یک تحول فکری و راهبردی برای استادان معارف اسلامی در تدریس دروس معارف اسلامی و دینی باشد، که باید توجه ویژه‌ای نسبت به آن داشته باشند.

از طرفی، تفاوت دیدگاه دانشجویان با استادان، محتوای این پیام را به صاحب‌نظران دینی، مدیران نظام آموزش عالی و همه کسانی که در تدوین و تشخیص معیارهای اخلاق حرفه‌ای تدریس برای استادان معارف اسلامی نقش دارند، گوشزد می‌کند که مشخص کردن چارچوبهای اخلاق حرفه‌ای تدریس، بدون لحاظ دیدگاه ذی‌نفعان اصلی- دانشجویان- اثربخش نبوده و تربیت دینی نوجوانان و جوانان در نظام آموزش عالی آنگونه که باید محقق نمی‌شود؛ در نتیجه باید شاهد آسیبهای دینی مختلفی در جامعه بود. مؤید این مهم آنکه امروزه به خاطر آسیبهای اجتماعی و بزهکاری جوانان، از جمله مسئله بیکاری، اعتیاد، طلاق و...، زندگی جوانان و نوجوانان با مشکلات عدیده‌ای مواجه شده است. بر اساس پژوهشهای انجام شده توسط سازمان ملی جوانان، اکثر جوانان وضعیت آینده خود را در تمام مسائل مربوط به زندگی، ناامیدوار کننده می‌دانند. در این پژوهشها بیشتر آنها آینده‌ای ناامیدانه و بدتر را در انتظار خود می‌دیدند؛ ۶۳/۳ درصد از جوانان در بحث اعتیاد به مواد مخدر، ۵۹/۹ درصد در بحث بی‌بند و باری‌های اخلاقی، ۶۱/۷ درصد در بحث جرم و بزهکاری وضعیت کشور را در آینده بدتر ارزیابی کردند. حدود ۷۰ درصد از جوانان فکر می‌کنند در آینده به علت مشکلات اقتصادی تمایلی به ازدواج نخواهند داشت. در واقع؛ نوعی آمادگی روانی برای مجرد ماندن و دوری از ازدواج پدید آمده است. (فدایی و علی‌بیگی، ۱۳۹۰؛ آزاد مرزآبادی، ۱۳۸۷؛ سعیدی رضوانی، ۱۳۸۶)

شناسایی استانداردها و مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس استادانِ دروسِ معارفِ اسلامی ♦ ۴۸۷

از سوی دیگر، فطرت انسان میل به آرامش روحی و افزایش آرامش خاطر در زندگی خود دارد؛ به طوری سعی در رفع تمام آسیبها و مشکلاتی خواهد داشت که ممکن است سبک زندگی او را مختل کند. در این میان، دینداری و اعتقادات دینی عامل مهمی در کاهش این مشکلات است که پابندی به آنها باعث معنابخشی در زندگی، حمایت روانی و خوشبینی در آنها می‌شود (حاجی‌زاده میمنده و همکاران، ۱۳۹۱؛ امین بیدختی و شریفی، ۱۳۹۱) و خوشبختانه بر اساس پژوهشهای انجام شده (قاسمی، عدلی‌پور و کیانپور، ۱۳۹۲؛ سعیدی رضوانی، ۱۳۸۶) جوانان معتقدند که راه نجات بشر، پابندی به اعتقادات دینی است از این رو جوانان به جامعه روحانیت و افراد دین‌شناس، به عنوان مبلغ دین اسلام، روی می‌آورند. لذا از جهت تربیت دینی اخلاقی انتظار می‌رود اساتید معارف اسلامی جوانان را به جهت بهداشت روانی رشد دهند و از پدید آمدن اختلالات مختلف روانی و رفتاری جلوگیری کنند.

از این رو، بحث انتظارات معقول یا همان حق و حقوق دانشجویان از نقش استادان معارف اسلامی مطرح می‌شود. کوئن^۱ (۱۳۸۱) نقش را اینگونه تعریف می‌کند: نقش به رفتاری اطلاق می‌شود که دیگران از فردی که پایگاه معینی را احراز کرده است انتظار دارند. بنابر این، وظیفه استادان معارف اسلامی در نقش استادی دروس معارف، کمک و راهنمایی دانشجویان در مواجهه با مشکلات روحی، روانی و در کل سبک زندگی است. به عبارت دیگر؛ آنها باید همراه با آموزش مفاهیم دینی به دانشجویان، اهمیت ارزشهای دینی را در زندگی به دانشجویان تفهیم کنند تا به واسطه آن، دانشجویان بهترین پاسخ را در مواجهه با مسائل، مشکلات متعدد و نوظهور زندگی خود داشته باشند.

۱. پیشنهادهای پژوهشی

۱. پژوهشی در رابطه با مطالعه رابطه اخلاق حرفه‌ای و اثربخشی تدریس استادان معارف اسلامی با تکیه بر نظر استادان دانشگاه، گروههای معارف اسلامی و صاحب‌نظران دینی.
۲. پژوهشی در رابطه با بررسی رابطه اخلاق حرفه‌ای تدریس استادان معارف اسلامی با سایر چارچوبهای اخلاقی تدریس.
۳. پژوهشی در رابطه با مقایسه ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس استادان معارف اسلامی در بین دانشجویان پسر و دختر.
۴. پژوهشی در رابطه با مقایسه ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس استادان معارف اسلامی در بین دانشجویان رشته‌های پزشکی و غیر پزشکی.

۵. پژوهشی در رابطه با بررسی موانع پیش روی کاربست ویژگی‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس استادان معارف اسلامی، و راهکارهای مواجهه با این موانع در جهت افزایش اثربخشی فرایندهای یاددهی-یادگیری دروس معارف اسلامی.

۲. پیشنهادهای کاربردی

۱. تدوین استانداردها و آیین‌نامه‌های اخلاقی توسط متولیان نظام آموزش عالی و گروه معارف اسلامی برای استادان معارف اسلامی.
۲. آگاه‌سازی استادان معارف اسلامی از چارچوبهای اخلاقی حرفه خود.
۳. قرار دادن فرایندهای تصمیم‌گیری اخلاقی تدریس در سر فصلهای دوره‌های یادگیری الگوهای تدریس استادان معارف اسلامی.
۴. تدوین استانداردها و آیین‌نامه‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس برای استادان گروههای مختلف آموزشی در دانشگاه.
۵. اعمال نظر همه ذی‌نفعان، ذی‌ربطان و ذی‌صلاحان نظام آموزش عالی در تدوین منشور اخلاق حرفه‌ای تدریس استادان معارف اسلامی.

۳. محدودیتهای پژوهشی

۱. دسترسی نداشتن به برخی منابع انگلیسی به خاطر انواع محدودیتهای (مالی، سیاسی).
 ۲. احتمال اینکه استادان معارف اسلامی به دلیل کمبود وقت (به دلیل اجرای پرسشنامه در زمان استراحت آنان) با کم‌دقتی پرسشنامه‌ها را تکمیل کرده باشند.
 ۳. همکاری نکردن برخی دانشجویان و دانش‌آموختگان در اجرای پرسشنامه به دلیل بی‌انگیزه بودن و دلایل دیگر.
- محدودیت منابع انگلیسی در زمینه اخلاق حرفه‌ای تدریس دروس دینی.



منابع

- آراسته، حمید و حسینعلی جاهد (۱۳۹۰). «رعایت اخلاق در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی: گزینه‌ای برای بهبود رفتارها». *نشاء علم*، ۱(۲): ۳۱-۴۰.
- آزاد مرزآبادی، اسفندیار (۱۳۸۷). «بررسی رابطه نظام ارزشی خانواده با ارزشهای جوانان». *علوم رفتاری*، ۲(۲): ۱۱۷-۱۲۶.
- آقایبی جنت‌مکان، حسین (۱۳۸۵). «ضرورت اصلاح و بازنگری برنامه درسی رشته حقوق در مقطع کارشناسی». *کنگره ملی علوم انسانی*. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. http://www.civilica.com/Paper-SOCIALSCIENCECONF01SOCIALSCIENCECONF01_126.html
- امین بیدختی، علی‌اکبر و نوید شریفی (۱۳۹۱). «دینداری و سرمایه اجتماعی حامی امنیت اجتماعی، ش ۳۳: ۶۹-۴۷».
- ایزدپناه، امین و بابک شمشیری (۱۳۹۲). «امکان هم‌کناری تفکر انتقادی و تجربه دینی در برنامه تربیت دینی». *چهارمین همایش فلسفه تعلیم و تربیت، مبانی فلسفی تحول در نظام آموزش و پرورش*. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- ایمانی‌پور، معصومه (۱۳۹۱). «اصول اخلاق حرفه‌ای در آموزش». *اخلاق و تاریخ پزشکی*، ش ۵(۶): ۳۸-۲۵.
- باقری، خسرو؛ نرگس سجادیه و طیبه توسلی (۱۳۸۹). *رویکردها و روشهای پژوهش در فلسفه تعلیم و تربیت*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بناری، علی‌همت (۱۳۸۰). «نگاهی به عوامل آسیب‌شناسی تربیت دینی نوجوانان و جوانان (با تأکید بر عوامل آسیب‌زا در نظام آموزش و پرورش)». *تربیت اسلامی*، ش ۶: ۱۸۶-۱۷۱.
- بیرونی کاشانی، راضیه و خسرو باقری (۱۳۸۷). «مبانی و اصول اخلاق تدریس بر اساس فلسفه اخلاق اسلامی». *روان‌شناسی و علوم تربیتی*، ش ۳۸(۳): ۱۳۵-۱۱۵.
- تجاسب، کامیاب (۱۳۷۹). *نگاه نظام آموزشی به دین (دین‌دانی یا دینداری)*. تهران: امجد.
- حاجی‌زاده میمنندی، مسعود؛ اکبر زارع شاه‌آبادی، و نرگس مروی‌نام و فاطمه ابوترابی زارچی (۱۳۹۱). «بررسی رابطه بین دینداری و رضایت از زندگی در بین زنان سالمند شهر یزد». *شورای فرهنگی اجتماعی زنان و خانواده*، ش ۱۵(۵۸): ۲۳۵-۱۹۱.
- رحماندوست، مصطفی (۱۳۷۱). «تحلیلی بر وضعیت تربیت دینی معاصر در ایران». *مجموعه مقالات سمپوزیم جایگاه تربیت در آموزش و پرورش دوره ابتدایی*. تهران: تربیت.
- رهنما، اکبر؛ فرزانه طباطبایی و حمید علیین (۱۳۸۵). «آسیب‌شناسی تربیت دینی از دیدگاه مدیران مدارس شهر تهران». *رفتار دانشور دانشگاه شاهد*، ش ۱(۲۱): ۵۴-۴۳.
- ساجدی، ابوالفضل (۱۳۸۹). «تفاوت آموزش پرورش دینی و غیر دینی». *اسلام و پژوهشهای تربیتی*، ش ۲(۱): ۹۵-۱۲۴.

۴۹۰ ◊ فرهنگ در دانشگاه اسلامی ۲۱

- سعیدی رضوانی، محمود (۱۳۸۶). «بررسی وضع مطلوب موجود تربیتی دینی و اخلاقی دانش‌آموزان و ارزیابی آن بر اساس مؤلفه‌های اصلی آموزش و پرورش». طرح پژوهشی تدوین سند ملی آموزش و پرورش. تهران: دبیرخانه شورای عالی آموزش و پرورش.
- سعیدی رضوانی، محمود و تقی بینقی (۱۳۸۰). «تأملی در باب تناسب نظام آموزش و پرورش رسمی با تربیت دینی». تعلیم و تربیت اسلامی، ش ۶: ۱۳۲-۱۰۵.
- عزیزی، نعمت‌الله (۱۳۸۹). «اخلاق حرفه‌ای در آموزش عالی: تأملی بر راهبردهای بهبود استانداردهای اخلاق در آموزشهای دانشگاهی». راهبرد فرهنگ، ش ۸ و ۹: ۲۰۲-۱۳۷.
- فتحی واجارگاه، کوروش (۱۳۸۳). «نیازسنجی آموزشی حوزه علمیه خاوران قم». طرح پژوهشی اداره نیازسنجی. قم: مدیریت پژوهش حوزه‌های علمیه.
- فدایی، فرید و ندا علی‌بیگی (۱۳۹۰). «مقایسه میزان شدت و آسیب‌های روانی بین مردان جوان شاغل و بیکار». رفاه اجتماعی، ش ۱۱ (۴۳): ۹۷-۱۱۹.
- فرامرز قراملکی، احد (۱۳۸۷). درآمدی بر اخلاق حرفه‌ای. تهران: سرآمد.
- فروغی ابری، احمدعلی؛ زهره سعادت‌مند و سید عباس خلیلی‌پور (۱۳۸۷). «راهکارهای ارتقای کیفیت آموزشی رشته‌های علوم قرآنی از دیدگاه استادان و دانشجویان مؤسسه آموزش عالی آزاد علوم قرآنی و معارف اسلامی غدیر». دانش و پژوهش در علوم تربیتی - برنامه‌ریزی درسی، ش ۲۲ (۲۰): ۱۶۷-۱۸۸.
- قاسمی، وحید؛ صمد عدلی‌پور و مسعود کیانپور (۱۳۹۲). «تعامل در فضای مجازی شبکه‌های اجتماعی اینترنتی و تأثیر آن بر هویت دینی جوانان: مطالعه موردی فیس‌بوک و جوانان شهر اصفهان». دین و ارتباطات، ش ۱۹ (۲): ۳۶-۵.
- کرسول، جان دبلیو (۱۳۹۲). طرح پژوهش رویکردهای کیفی، کمتی و ترکیبی. ترجمه علیرضا کیامنش و مریم دانای طوس. تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه علامه طباطبائی.
- کرم‌پوریان، آرزو؛ بهزاد ایمنی و پرویز ترک‌زبان (۱۳۹۲). «بررسی نگرش به اخلاق حرفه‌ای در اعضای هیئت علمی دانشکده دندانپزشکی همدان در سال ۱۳۹۱». تحقیق در علوم دندان پزشکی، ش ۱۱ (۱): ۴۳-۵۱.
- کرملیان، حسن (۱۳۸۵). «تبیینی از اهداف تربیت اسلامی بر مبنای قلمروهای حیات». تربیت اسلامی، ش ۱ (۲): ۱۸۶-۱۶۵.
- کوئن، بروس (۱۳۸۱). مبانی جامعه‌شناسی. ترجمه غلامعباس توسلی و رضا فاضل. تهران: سمت، چ سیزدهم.
- کیانی، معصومه و علی‌رضا صادق‌زاده قمصری (۱۳۹۰). «تبیین رویکردهای غالب روش‌شناختی پژوهش فلسفه تعلیم و تربیت در ایران و توصیف روش‌شناختی رساله‌های دکتری». پژوهش‌نامه مبانی تعلیم و تربیت، ش ۱ (۲): ۱۱۹-۱۱۹.
- گال، مردیت؛ والتر بورگ و جویس گال (۱۳۹۳). روشهای تحقیق کمتی و کیفی در علوم تربیتی و روان‌شناسی (جلد دوم). ترجمه احمدرضا نصر و همکاران. تهران: سمت، دانشگاه شهید بهشتی، چ چهارم.

- شناسایی استانداردها و مؤلفه‌های اخلاق حرفه‌ای تدریس استادانِ دروسِ معارفِ اسلامی ❖ ۴۹۱
- لیاقتدار، محمدجواد؛ جعفر شانظری و معصومه مسلمی (۱۳۸۷/الف). «بررسی میزان رضایت دانشجویان از دروس عمومی معارف اسلامی در شهر کرمان». *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ش ۷(۱۴): ۲۲-۱.
 - لیاقتدار، محمدجواد؛ جعفر شانظری و معصومه مسلمی (۱۳۸۷/ب). «بررسی ویژگی‌های علمی، حرفه‌ای و شخصیتی اساتید دروس معارف اسلامی از دیدگاه دانشجویان شهر کرمان». *پژوهشنامه انقلاب اسلامی*، ش ۷(۱۵): ۸۴-۵۷.
 - مجیدی، محمدرضا و ابوالقاسم فاتحی (۱۳۸۵). «سنجش نگرش دانشجویان نسبت به برنامه‌ریزی دروس معارف». *پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ش ۱۲(۳): ۵۵-۳۷.
 - محمدی، مجید (۱۳۷۳). *آسیب‌شناسی دینی*. قم: تفکر.
 - مطلبی‌فرد، علیرضا؛ عبدالرحیم نوه ابراهیم و ابراهیم محسن‌زاده (۱۳۹۰). «بررسی و شناسایی نشانه‌های حرفه‌ای و اخلاقی در آموزش و تدریس از نقطه نظر دانشجویان کارشناسی ارشد». *اخلاق در علوم و فناوری*، ش ۶(۴): ۹-۱.
 - مهران، بهروز (۱۳۸۸). «نقش مؤلفه‌های برنامه درسی در هویت دینی دانشجویان (مطالعه موردی: دانشگاه فردوسی مشهد)». *مجموعه مقالات همایش تربیت دینی*. مشهد.
 - نجارزادگان، فتح‌الله (۱۳۸۷). *رهیافتی بر اخلاق و تربیتی اسلامی*. قم: دفتر نشر معارف (نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، مرکز برنامه‌ریزی و تدوین متون درسی).
 - نیک‌نشان، شقایق؛ محمدجواد لیاقتدار، حسن علی بختیار نصرآبادی و محمدجعفر پاک‌سرشت (۱۳۹۱). «ایدئولوژی مبانی برای عملکرد آموزش و پرورش: مقایسه پیامدهای ایدئولوژی لیبرال و نئولیبرالیسم بر تعلیم و تربیت در کشورهای غربی». *پژوهشنامه مبانی تعلیم و تربیت*، ش ۲(۱): ۲۶-۵.
 - Aghaei Jannatmakan, H. (2008). "The Need for Revised Curriculum in Undergraduate Law Degree". *Pathology Congress of Human Sciences in Iran*.
http://www.civilica.com/Paper-SOCIALSCIENCECONF01SOCIALSCIENCECONF01_126.html
 - Amin Beidokhti, A. & N. Sharifi (2012). "Religious and Social Capital Supporting Social Security". *Journal of Social Security*, 33: 47-69.
 - Arasteh, H. & H.A. Jahed (2011). "Ethics in Universities Centers of Higher Education: to Improve Treatment Choices for Each". *Journal of Transplantation Science*, 1(2): 23-39.
 - Azad Marzabadi, E. (2008). "Examine the Relationship between Family Values, youth Values". *Journal of Behavioral Sciences*, 2 (2): 117-126.
 - Bagheri, Kh.; N. Sajadieh & T. Tavasoli (2010). *Approaches and Methods of Research in Philosophy of Education*. Tehran: Institute of Social and Cultural Studies.
 - Banari, A. (2001). "Look at the Pathology of Adolescents and youth Religious Education". *Journal of Islamic Education*, 6: 171-186.

- Bironi Kashani, R. & Kh. Bagheri (2008). "Teaching Moral Principles based on Islamic Ethics". *Journal of Psychology and Educational Sciences*, 38 (3): 115-135.
- Campbell, E. (2008). "The Ethics of Teaching as a Moral Profession". The Ontario Institute for Studies in Education of the University of Toronto. *Curriculum Inquiry*, 28 (4): 257-285.
- Clark, J. (2004). "The Ethics of Teaching and the Teaching of Ethics". NEW Zealand. *Journal of Teachers Work*, 1 (2): 80-84.
- Davis, M. (2001). *Ethics and the University*. London, Rutledge.
- Fadaei, F. & N. Alibeygi (2011). "Comparison of Intensity and Mental Health among young Men Employed and Unemployed". *Journal of Social Welfare*, 11 (43): 97-119.
- Faramarz Gharamaleki, A. (2008). "Introduction to Professional Ethics". Press Excelled.
- Fathi Vajargah, K. (2004). "Training Needs Assessment Qom Seminary Sisters. Research and Education Deputy". Management Center of Qom Seminary.
- Friedman, H.H. & J. Fogell (2005). "Student Perceptions of the Ethics of Professors". *Journal of Business Ethics and Organization Studies*, 10 (2): 10-15.
- Froghi Abri, A.; Z. Saadatmand & S. Khalili pour (2008). "Strategies for Improving Educational Quality Science Teachers and Students of Institutions of Higher Education Free Quran According to Quranic and Islamic Sciences Ghadir". *Journal of Science and Research in Education-Curriculum*, 20: 167-188.
- Gall, M.; V. Borg & J. Gall (2014). *Qualitative and Quantitative Research Methods in" Psychology (Vol. II)*. Translators: A.R. Nasr, M.J. Pakseresht, A. Delavar, A.R. Kiamanesh, M. Abolqasemi, M.H. Alamatsaz, H.R. Oreyzi & Kh. Bagheri. Tehran, Samt Press, Shahid Beheshti University.
- Ghasemi, V.; S. Adlipour & M. Kianpour (2013). "Internet Social Networks in Cyberspace Interaction and its Impact on Religious Identity of youth: Study Facebook and youth in Isfahan". *Journal of Religion and Communications*, 19 (2): 5-36.
- Hajizadeh, M.; A. Zare Shahabadi, N. Marvinam & F. Abotorabi (2012). "Explore the Relation between Religiosity and Life Satisfaction among Elderly Women in Yazd". *Journal of Cultural and Social Council for Women and Family*, 15 (58): 191-235.
- Imani pour, M. (2012). "Professional Ethics in Education". *Iranian Journal of Medical Ethics and History*, 5 (6): 25-37.
- Izadpanah, A. & B. Shamshiri (2013). "The Possibility of co Critical Thinking and Religious Experience, Religious Education Programs". *The*

Fourth Congress of Philosophy of Education, the Philosophical Basis of Change in Education System, Ferdowsi University of Mashhad.

- Karamallian, H. (2007). "An Explanation of the Objectives of Islamic Education based on the Realm of Life". *Journal of Islamic Education*, 1 (2): 165-186.
- Karampourian, A., Eymeni B., Torkzaban P. (2013). Attitudes of professional ethics in Hamadan dental school faculty in 1391. *Journal of Research in Dental Sciences*, 10(1): 43-51.
- Kiani, M. & A. Sadeghzadeh Ghamsari (2011). "Most of Methodological Perspectives of Philosophy of Education in Iran and Described the Methodology of Doctoral Dissertations". *Journal Foundations of Education*, 1 (2): 119-132.
- Kraswell, J. (2013). "The Research Design Approaches to Qualitative, Quantitative and Mixed". Translator Alireza Kiamanesh and Maryam Danai Toos. Press SID, unit Allameh Tabatabai University in Tehran.
- Liaghatdar, M.; J. Shahnazari & M. Moslemi (2008). "Reviews Characteristics of Scientific, Professional and Personal Professor of Islamic Studies Courses from the Perspective of Students in Kerman". *Journal of Islamic Revolution History*, 15 (7): 57-84.
- Liaghatdar, M.; J. Shahnazari & M. Moslemi (2008). "Satisfaction with Students of General Education Courses Islam in the City of Kerman". *Journal of Islamic Revolution History*, 14 (7): 1-22.
- Mahram, B. (2009). "The Role of Curriculum Components in Students' Religious Identity: (Case Study: Ferdowsi University of Mashhad)". *Religious Education Proceedings of a Conference, Mashhad*.
- Majidi, M. & A. Fatehi (2006). "Assess Students' Attitudes Toward Planning Studies Courses". *Journal of Research and Planning in Higher Education*, 12 (3): 37-55.
- Markie, P.J. (2003). "The Professor-Student Relationship and the Regulation of Student Life". In R. Curren (Eds). *A Companion to the Philosophy of Education*, 3 (7): 605-617.
- Mohammadi, M. (1994). *The Religion Pathology*. Publishing of Thinking.
- Motallebifard, A.; A. Nave Ebrahim & A. Mohsenzadeh (2011). "Professional and Ethical Review and Identify Indicators from the Point of View of MA Students in Teaching". *Journal of Ethics in Science and Technology*, 6 (4): 1-9.
- Najjarzadegan, F. (2008). "Approach on Ethics and Islamic Education". The Representative of the Supreme Leader in Universities, the Planning and Development of Textbooks, Educational Publishing Qom.
- Nikneshan, Sh.; M. Liaghatdar, H. Bakhtiar Nasrabadi & M. Pakseresht (2012). "Ideological Basis for the Performance of Education: Liberal and

Neo-Liberal Ideology Consequences on Education in Western Countries". *Journal Foundations of Education*, 1 (2): 5-26.

- Pantic, N. & T. Wubbels (2012). "Teachers Moral Values and their Interpersonal Relationships with Students and Cultural Competence". *Teaching and Teacher Education*, 28: 451-460.
- Rahmandost, M. (1992). **Analysis of Contemporary Religious Education in Iran. Proceedings of the Symposium Education in Primary School Education**. Tehran, Training Publications.
- Rahnama, A.; F. Tabatabai & H. Ellien (2006). "Pathology Religious Education from the Perspective of School Principals in Tehran". *Journal of Scholar Behavior Shahed University*, 13 (21): 43-54.
- Saeedy Rezvani, M. & T. Binaghi (2001). "Reflections on the Appropriateness of Formal Education with Religious Education, Islamic Education Magazine". *Journal of Islamic Education*, 6: 106-132.
- Sajedi, A. (2010). "Differences between Religious and Non-Religious Education". *Journal of Islamic and Educational Preceding Studies*, 2 (1): 95-124.
- Shapira, O. (2013). "Team-based Simulations: Learning Ethical Conduct in Teacher Trainee Programs". *Teaching and Teacher Education*, 33: 1-12.
- Strike, K.A.; E.J. Haller & J.F. Soltis (2005). **The Ethics of School Administration**. New York and London: Teacher College.
- Tajaseb, K. (2000). "Look at the Educational System to Religion (Religion or Religious know)". Tehran, Amjad Press.

